

هوالبهی

جناب سلمان انتهای شب است و ابتدای طلوع صبح که این عبد قلم برداشته تا رشحی از ابحر حبّ که در قلب مّوّاج است از مجرای قلم باعانت مداد بر لوح سداد جاری گردد ولکن قلم امکان را طاقت اظهار نه و الواح وجود را گنجایش این فضل مشهود نیست اگرچه در این ایّام که رایحه رحمانی از یمن قدس روحانی در هبوست جمع این مراتب حبّ بقلب راجع است و نفحات قلبیه و نسایم روحیه در عبور و مرور فهنیئاً للفائزین باری بقوّة الهی چون شعله نار بکلّ آفاق و دیار گذر کن و حجابات غافلین را بانامل ذکر و یقین خرق کن چه که اکثری از نفوس محتجبه از کیفیّت و کمیّت امور غافل و از خفیّات اسرار بکلی جاهل و تو در مطلع انوار جمال مختار حاضر شدی و از تفصیل مّطلع لئن یهدی بک نفساً خیر لک من حمر النّعم ای سلمان بعنایات جمال مّنان مسرور باش از هیچ امری محزون مشو چه که کل فانی الاّ الطاف ربّک الباقی در استقامت بر امر الله چون اوتاد وجود باش و در حبّ الله چون شمس در سماء شهود ای سلمان از الطاف خفیّه الهیه که لم یزل بر تو سبقت داشته مستریح باش که لم یزل تلقاء وجه حاضری کمال مرحمت در حقّ تو بوده و خواهد بود در اینصورت باید چون باز در پرواز باشی و چون شمع در هر جمع بذکر حقّ برافروزی و انشاءالله بصحّت و سلامت وارد بغداد شده‌اید در ارسال پوسته قدری تأخیر رفت لا بأس و ذلک من تقدیر ربّک العزیز الکریم و در خصوص تفسیر آن دو بیت فوالذی نفسی بیده از آن حین تا بحال آنی فرصت نمودم و حال هم نزدیک صبح است که توانستم که این دو کلمه را مرقوم دارم بجان تو از آن روزی که از حضور مرخص شدی تا بحال همان یک شب را که نظر نموده بودم در فراش خواب وارد شدم انشاءالله اگر ملاقات شد از عهده جمیع اینها خلاص می‌شوم و جناب عبدالکریم و محمّد حسن و علی آقا را بکمال حبّ ذاکر شوید و جمیع احبّاء الله را از صغیر و کبیر تکبیر برسانید باقی همیشه در ابحر حبّ الله مستغرق باشید